[289] اگر گفتارم را تصديق می كنيد، وسخن حقی است، وسوگند به خدا كه از آن زمان كه شنيدم خداوند دروغگويان را دوست ندارد هرگز دروغ نگفته ام، واگر مرا تكذيب می كنيد كسانی در بين شما هستند كه اگر از آنان سؤال كنيد به شما خير خواهند داد، از جابر بن عبد ا انصاري و ابا سعيد خدري وسهل بن سعد ساعدی وزيدبن ارقم وانس بن مالك بپرسيد، آنان بشما خواهند گفت كه اين حديث را از زبان پيامبر در حق من وبرادرم شنيده اند، آيا اين سخن شما را از ريختن خون من باز نمی دارد ؟ پس به چه مجوزی می خواهيد خونم را بريزيد - تا آنجا كه فرمود -: اگر در اين مورد شك وترديد می نمائيد، آيا در اين زمينه نيز شك داريد كه من پسر دختر پيامبرتان هستم، سوگند به خداوند كه در تمام جهان پسر دختر پيامبری جز من در ميان شما وغير شما نمی باشد، وای بر شما، آيا مرا به جرم كشتن شخصي در ميانتان، يا مالی كه من از بين برده ام، يا بخاطر قصاص در مقابل كاری كه انجام داده ام، بقتل می رسانيد ؟ لشكر عمر بن سعد سكوت كردند، آنگاه فرمود: أي شبث بن ربعی، أي حجار بن ابجر، أي قيس بن اشعث، أي يزيد بن حارث، آيا به من ننوشتيد كه ميوه ها رسيده وبرگها سبز شده، وبسوی _____